

تغییر مداوم مقررات ساخت‌وساز در کوچه حمام برق، ناراضیتی مالکان را به دنبال داشته است

اسیر یک بام و دوهوای قوانین

هم قدم

این خانه را بسازم، اما هنوز نتوانسته‌ام مجوز بگیرم. با اینکه اینجا جزو بافت فرسوده به حساب می‌آید، برای عقب‌نشینی هیچ پولی به ما نمی‌دهند و می‌گویند پای پروانه ساخت حساب می‌شود. اما همسایه‌ها مان یک بنای بزرگ، بدون عقب‌نشینی ساخته است. مگر می‌شود قوانین برای هر نفر یک جور باشد؟

او ادامه می‌دهد: ما اینجا حق آب و گل داریم، اما قانون‌های جدیدی که هر روز می‌گذارند، حق عده‌ای مثل ما را پایمال می‌کند.

● با تغییر طرح، قوانین تغییر می‌کند

معاون شهرسازی شهرداری منطقه ثامن درباره عقب‌نشینی نکردن این ساختمان در کوچه حمام برق می‌گوید: در ساخت این ساختمان هیچ تخلفی صورت نگرفته است؛ زیرا در زمان ساخت آن، مطابق ضوابط طرح طاش که در گذشته بوده، مجوز ساخت داده شده است. اما اگر ساختمان مورد نظر قصد تجدید بنا داشته باشد، باید با مقررات طرح جدید حریم رضوی، پیش‌برود و عقب‌نشینی کند.

خسرو خالقی با تأکید بر اینکه در حال حاضر اولویتی برای خرید ملک در این کوچه وجود ندارد، می‌افزاید: قوانین تغییر کرده است و در طرح جدید دسترسی برای بازکردن کوچه نداریم. مالکانی که در پروژه‌های قدیم به دلایل مختلف مانند پیشنهاد قیمت‌های نجومی، حاضر به فروش ملک خود نشده‌اند، با تغییر قوانین، با مشکلاتی مواجه شده‌اند و در حال حاضر چاره‌ای برای آن وجود ندارد.

از بن بست در بیاید. اما حالا می‌گویند این طرح مربوط به قدیم بوده است و در طرح جدید اجرایی شود. رضایاک فطرت ادامه می‌دهد: از وقتی ساختمان کناری مان شروع کرد به ساخت‌وساز، سوئیت ما تبدیل به دخمه شد. چند بار برای عقب‌نشینی نکردن این ساختمان شکایت کردیم. حتی قبل از ساخت خیلی دوندگی کردیم تا جلویش را بگیرند، اما بی‌نتیجه ماند و گفتند قانونی است و تخلفی صورت نگرفته. اما وقتی مارفتیم برای مجوز ساخت، گفتند که باید ۶ متر عقب‌نشینی کنیم. قوانین هم آن قدر سخت شده است که اگر بخواهیم ملکمان را بفروشیم یا معاوضه کنیم، باید هفت خان رستم را طی کنیم.

● قوانین جدید حق ما را پایمال کرده است

حسن افتخاری، پیرمرد سرد و گرم‌چشیده‌ای است که به گفته خودش از جد پدری‌اش تا فرزندانش در همین خانه قدیمی به دنیا آمده‌اند. او می‌گوید: سال‌هاست می‌خواهم

زهرآرمه‌پور در طرحی که حدود بیست سال قبل به ساکنان قدیمی کوچه حمام باغ‌آرام‌ش، قرار بود ملک‌انتهای کوچه‌شان خریداری شده و کوچه به آیت‌الله شیرازی ۳ متصل شود. بیشتر آن‌ها بر همین اساس، ساخت‌وساز خانه‌های قدیمی‌شان را به تعویق انداختند. یکی از همسایه‌ها در همان سال‌ها که طرح طاش اجرامی شد، ملک‌ش را تخریب و هتل آپارتمانی بنا کرد. عده‌ای هم فروختند و رفتند. تعداد محدودی از قدیمی‌ها که در کوچه ماندند، وقتی دیدند خبری از باز شدن انتهای کوچه نیست، تصمیم گرفتند خانه‌های کلنگی و فرسوده‌شان را هر چند در یک قدمی حرم مطهر است و بیشتر مناسب زائر سرا و خانه مسافران است، از نو بسازند. اما با قانون جدیدی مواجه شدند که می‌گفت این کوچه ۶ متر عقب‌نشینی دارد. قانونی که ملک‌اهالی را در برابر ساختمانی که از قبل ساخته شده است، در گودی کوچه قرار می‌دهد.

● هفت خان را باید بگذرانیم

ماجرای جایی شروع شد که مالکی برای نوسازی ساختمان به شهرداری مراجعه کرد، اما با شروط تازه‌ای روبه‌رو شد که قبلاً مطرح نبوده است. این تغییر در تصمیمات و مقررات شهری، یکی از دغدغه‌های جدی شهروندان در کوچه‌های فرعی محله بالاخیابان است که صدای اعتراض بعضی از اهالی را بلند کرده است.

مرد میان سال که سوئیتی را در انتهای کوچه حمام برق اداره می‌کند، ساختمان هفت طبقه‌ای که عقب‌نشینی نکرده، می‌گوید: قرار بود شهرداری با خراب کردن ملک ته کوچه، معبر را به سمت شیرازی ۳ باز کند تا این کوچه



ناظر کارگران خدمات شهری منطقه ثامن
سال‌هاست برای همکاری‌شان مانند یک پدر رفتار می‌کند

دلسوز مثل «بابا»



راه تجربه



هم برای ما می‌کند. حتی درباره مسائل زندگی مان از او راهنمایی می‌خواهیم. او که در هر کاری از بابا مشورت می‌گیرد، با تأکید می‌گوید: اخلاق خوبی که بابا دارد، این است که اهل نصیحت کردن نیست؛ فقط راهنمایی می‌کند و بعد کمک می‌کند تا مشکل مان رفع شود.

حاجی اسماعیل پور کمی فکر می‌کند تا به خاطر بی‌آورد که اولین بار چه کسی او را بابا صدا زد: «محمد ایزانلو، یکی از سرکارگران ناحیه ۲ منطقه ثامن، فرزند شهید است و به دیگران می‌گفت: این آقا پدر من است، چون در هر کاری من را راهنمایی می‌کند».

● گوش شنوای کارگران

البته اینکه خودش هم هر وقت کسی مشکلی داشته با مهربانی به او می‌گفت: «بابا جان غصه نخور، و چاره‌ای پیش رویش می‌گذاشته، در اینکه همکاری‌شان او را به چشم بابا نگاه کنند، بی‌تأثیر نبوده؛ از قدیم هر وقت کارگرها مشکلی داشتند حرف‌شان را به گوش رؤسای رساندم. خدا را شکر اعتباری داشتم و مشکل زود حل می‌شد. سال‌ها قبل مثل الان نبود که حقوق‌ها را منظم واریز کنند، گاهی تا ۱۲ روز هیچ مبلغی دریافت نمی‌کردیم. ماکه سن و سالی ازمان گذشته بود، می‌دانستیم باید طوری خرج کنیم که اگر حقوق دیر و زود دلدنگ نمایم، اما کارگرهای جوان به مشکل می‌خوردند و خیلی وقت‌ها از نظر مالی به آن‌ها کمک

نجمه موسوی کاهانی بعد از پنج کلاس درس خواندن، مدرسه را رها کرد. مدتی شاگرد خیاطی بود و بعد از سربازی، کارگاه خودش را راه‌انداخت. ازدواج کرد و چند سالی مشغول کار بود که سال ۷۸ دزد به کارگاهش زد و دار و ندار زندگی‌اش را برد. با ز دست رفتن سرمایه‌اش، تصمیم گرفت به دنبال شغلی دیگر باشد که متوجه شد منطقه ثامن، به صورت مجزا دارای شهرداری شده و نیروی خدماتی می‌خواهد. کارش را به عنوان پاکبان از خیابان طبرسی شروع کرد؛ بعد از یک سال به عنوان کارگر نمونه انتخاب و به سرکارگر بعد از یک سال دیگر سرکارگر نمونه شد و مسئولیت نظارت بر کار کارگرها را به عهده گرفت. علی اصغر اسماعیل پور که همه او را به اسم «بابا» می‌شناسند، عنوان ناظر نمونه را هم کسب کرد و اکنون ۲۷ سال است که در همین منطقه خدمت می‌کند.

● اهل عمل است، نه حرف

آن قدر او را بابا، صدا زده‌اند که حتی همکاری‌شان در اداره خدمات شهری وقتی می‌خواهند فامیل او را به یاد بیاورند، باید کمی فکر کنند. حاجی اسماعیل پور، برای خیلی از همکاری‌شان بابا است؛ وقتی کسی به دنبال او می‌گردد یا ماشینش خراب شده است و نیاز به تعمیر دارد، یا می‌خواهد درباره خرید خانه یا تعمیرات از او مشورت بگیرد، محمود حصاری، یکی از همکاران جوانش می‌گوید: هرکاری یک پدر برای بچه‌هایش انجام می‌دهد، او

می‌کردم. قدیم مثل الان نبود؛ قرض دادن بین مردم رایج بود. «اواز برکت پول کارگری، آن‌هم در جوار امام رضا(ع) می‌گوید: وقتی بادلسوزی و درست کار را انجام بدهی، پول برکت دارد؛ با همین حقوق به دو سفر مکه رفته‌ام و یک سفر کربلا؛ بچه‌هایم را هم عروس و داماد کرده و خیلی وقت‌ها کار دیگران را هم راه‌انداخته‌ام. بابا را فقط همکاری‌شان نمی‌شناسند؛ کسبه و اهالی هم بعد از این همه سال می‌دانند هر جای محله درست تمیز نشد، باید سراغ چه کسی بروند. بیشترین کمکی که دیگران از بابا می‌خواهند، نظر کارشناسی برای خرابی خودروهایشان یا خرید و فروش ماشین است. سید جواد میراحمدی، یکی از همکاران قدیمی او، می‌گوید که حتی ۱۲ شب به اوزنگ زده‌اند و از روی صدای ماشین آن‌ها را راهنمایی کرده که چه کار کنند تا مشکل رفع شود؛ «کسانی که مرا می‌شناسند می‌دانند ایرادات خود را به صورت تخصصی متوجه می‌شوم. نه اینکه کارم باشد، اما مشکل را تشخیص می‌دهم. به همین دلیل همکاری‌مان و همسایه‌های قدیمی اداره برای خرید و فروش ماشین‌هایشان از من نظر می‌خواهند».